

بازشناسی عناصر هویت‌ساز در طراحی مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی مطالعه موردی: محله قلعہ سیمون در حاشیہی اسلامشہر

دنا بختیاری^{۱*}، حسن اصائلو^۲، امیرمسعود دباغ^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری دانشگاه سوره، تهران، ایران.

Dena.bkly@gmail.com

۲- استادیار پایه ۸، دانش آموخته‌ی دکتری معماری، رئیس دانشکده‌ی معماری دانشگاه سوره، تهران، ایران.

osanloo@soore.ac.ir

۳- استادیار پایه ۷، دانش آموخته‌ی دکتری معماری، مدیر گروه معماری دانشگاه سوره، تهران، ایران

amirmasoud_dabagh@yahoo.com

چکیده

سکونتگاه‌های غیررسمی در مقاطعی خاص از شرایط تاریخی-اجتماعی کشورها، در اطراف شهرهای بزرگ، شکل گرفته اند و به نسبت اوضاع اقتصادی-سیاسی و برنامه‌ریزی‌های کلان شهری، یا رشد یافته و یا کنترل شده اند. در ایران نیز رشد شتاب زده‌ی شهرنشینی و عدم برنامه‌ریزی توسعه‌ی شهری، مشکلات و معضلاتی را موجب شده است. از جمله این مشکلات کمبود امکانات و خدمات شهری برای تمامی اقشار جامعه، ناتوانی افراد کم‌درآمد در تامین مسکن حداقل در متن شهر و به دنبال آن ایجاد و توسعه‌ی سکونتگاه‌های غیررسمی در حاشیہی شهرهای بزرگ، همچون تهران شده است. هویت این سکونتگاه‌ها و افراد ساکن در آن‌ها نه برای عموم مردم، نه سیاستمداران و نه حتی برای خود ایشان تعریف ساختارمندی ندارد؛ و همین امر سبب شده تا سیاست‌های به کار برده شده تا به امروز پاسخگوی حل این معضل نباشند. پرسشی که مطرح می شود آن است که "بهترین راهبرد جهت ساماندهی و هویت بخشی به سکونتگاه‌های غیررسمی چیست؟" پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و نیز با استفاده از روش‌های کیفی در مطالعات میدانی، به شناخت این شکل از سکونتگاه‌ها و عوامل موثر در شکل گیری آنها؛ مطالعه‌ی ویژگی‌های مشترک میان افراد ساکن در این سکونتگاه‌ها و هویت ویژه‌ی این افراد و همچنین رابطه‌ی میان هویت و مسکن ایشان پرداخته است. در ادامه سیاست‌های اتخاذ شده در رابطه با این مسئله و نمونه‌ای موفق در حل این معضل، مورد بررسی قرار گرفته و سپس مطالعات جمع‌آوری شده در نمونه موردی محله قلعہ سیمون در حاشیہی منطقه اسلامشہر، بازخوانی شده و متناسب با ویژگی‌های خاص این مناطق، راهبردی در جهت ساماندهی و هویت‌بخشی معرفی و پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: سکونتگاه‌های غیر رسمی، سکونت، هویت، حاشیہ نشینی، مسکن ارزان قیمت

۱. مقدمه

با توجه به رشد جمعیت شهر تهران در چند سال اخیر و رشد روز افزون روند مهاجرت از روستاها به این شهر، وجود الگوی توسعه آتی و داشتن سیاست‌های اجتماعی تدوین شده، در برنامه‌ریزی شهری امری اجتناب ناپذیر است. در کشور ایران، هنوز بسیاری از عوامل مناسب این راهکارها در دستور کار قرار نمی گیرند. این امر پیامدهایی را به دنبال دارد و از آن جمله، لحاظ نشدن نحوه‌ی تامین مسکن گروه کم درآمد در تدوین الگوی توسعه شهری و همچنین برنامه‌ریزی

شهری می باشد. به این ترتیب توسعه ی شهر تهران به صورت خودرو و بدون برنامه‌ی از پیش تعیین شده، صورت پذیرفته است.

به بیان دقیق‌تر، مهاجرین روستایی و اقشار کم درآمد شهری، که قادر به تهیه‌ی مسکن با حداقل‌های استاندارد در داخل شهر نبوده‌اند، به ناچار در حاشیه‌ی شهر تهران به صورت غیررسمی سکنی گزیده و به مرور زمان با افزایش جمعیت و گسترده شدن این سکونتگاه‌ها، شهر تهران توسعه‌ی کالبدی پیدا کرده است. به موازات این توسعه و رشد کالبدی، بسیاری از زیرساخت‌های ضروری و خدمات شهری در این مناطق توسعه نیافته‌اند و در نتیجه بسیاری از افراد جامعه از دسترسی به برخی امکانات شهری محروم مانده‌اند.^۱

شرایط دشواری که بر این دست از افراد جامعه وارد است، موجب شده که ایشان هویت و رفتارهای اجتماعی متفاوتی از سایر شهروندان داشته باشند، به نوعی که فرهنگ متمایز ایشان موجب "پردشدگی اجتماعی" می‌گردد. این خرده فرهنگ به وجود آمده، آسیب‌هایی چون فحشا، اعتیاد، دزدی، خشونت و غیره را به دنبال دارد، که در صورت عدم رسیدگی گسترش پیدا خواهند کرد.^۲

تا کنون مقالات متعددی در خصوص مسئله‌ی حاشیه نشینی در ایران، نوشته شده است، ولیکن اغلب این مقالات با تاکید بر محورهای اجتماعی، سیاسی و نیز برنامه‌ریزی شهری در مقیاس‌های کلان، تدوین گشته‌اند. علاوه بر مقالات، تعدادی کتاب نیز در این باره به صورت پراکنده و با همان محورهای ذکر شده موجود است.

کارگر و سرور (۱۳۹۲)، در کتابی با عنوان "شهر، حاشیه و امنیت اجتماعی" ریشه‌های شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی و تهدید امنیت اجتماعی را بررسی کرده و با شناخت و تحلیل ابعاد و ماهیت این دو موضوع، راهبردها و برنامه‌هایی را جهت تولید امنیت اجتماعی ارائه داده‌اند

اسماعیلی و امیدی، (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی تجربه‌ی حاشیه‌نشینی از دیدگاه حاشیه نشینان" به شناخت عمیق درک و تجربه‌ی حاشیه نشینان از سکونت در حاشیه پرداخته و در نهایت دریافته‌اند که نمی‌توان بدون بررسی اذهان مردمان درگیر در این تجارب و با نگاه صرف برون سیستمی برای ایشان تصمیم گرفت.

فکوهی و پارساپژوه، (۱۳۸۷) در مقاله‌ی "بررسی انسان شناختی محله‌ی آلونک‌نشین علی‌آباد مهران" شکل‌گیری‌های هویتی و سازوکارهای پردشدگی اجتماعی را مطالعه کرده‌اند و راهکار برخورد با معضل حاشیه‌نشینی و عواقب آن را، تنظیم و طراحی برنامه‌ای اجتماعی برای اسکان حاشیه‌نشینان دانسته‌اند.

در حیطه‌ی رابطه‌ی هویت و سکونت نیز مطالعات گسترده‌ای صورت گرفته است. پوردیهیمی و نورتقانی، (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان "هویت و مسکن" به "بررسی ساز و کار تعامل هویت ساکنین و محیط مسکونی" پرداخته‌اند.

شولتز، (۱۳۸۱) در کتاب "مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی" هدف نهایی سکونت را احراز هویت فرد دانسته و Bachelard, (2007) نیز در کتاب "The Oneiric House" بازگو می‌کند که انسان در خانه هویت خود را بازمی‌یابد. در این پژوهش تلاش شده تا با شناخت پدیده‌ی حاشیه نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی و با بررسی کیفی نمونه‌ای مشابه در حاشیه‌ی اسلامشهر در استان تهران، راهبرد مناسب برای حل این مسئله پیشنهاد شود. (زمان بررسی نمونه‌ی موردنظر، پاییز و زمستان سال ۱۳۹۵ بوده است).

۲. اهداف و پرسش اصلی تحقیق

^۱ علی صفوی، توانمندسازی و ساماندهی اسکان غیررسمی
^۲ بهمن کارگر و رحیم سرور، شهر، حاشیه و امنیت اجتماعی

هدف این پژوهش، شناخت هویت سکونتگاه‌های غیررسمی و ارائه راهکارهایی کالبدی در مقیاس‌های کوچک با تمرکز بر معماری مسکن حداقل و همچنین نقش آن در ساماندهی موقت و حتی دائمی این سکونتگاه‌ها می باشد. در نظر گرفتن رابطه-ی میان سکونت و هویت افراد ساکن نیز از اهداف مورد نظر در این مقاله می باشد. پرسش اصلی که این پژوهش در تلاش برای پاسخگویی به آن است این که "بهترین راهبرد جهت ساماندهی و هویت بخشی به سکونتگاه‌های غیررسمی چیست؟"

۳. مبانی نظری

۳.۱. سکونتگاه‌های غیررسمی

یکی از پدیده‌های اساسی اجتماعی و فرهنگی در قرن بیستم، گسترش پدیده شهرنشینی بوده است که در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به صورت شتاب‌زده بروز پیدا کرده است؛ به گونه ای که سرعت شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه بیش از کشورهای توسعه یافته محاسبه شده است.^۳ رشد سریع شهرنشینی و عدم هماهنگی سرعت دگرگونی در بخش‌های مختلف جامعه، مشکلات عمده اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، مانند تراکم بالای جمعیت در شهر، افزایش فقر، عدم دسترسی به خدمات شهری و مسکن برای همگان و ... را به دنبال داشته است.

در واقع توسعه در کشوری مانند ایران به بهای بزرگ شدن بیش از اندازه بعضی از مناطق شهری و در مقابل کوچک شدن و عقب ماندن مناطق شهری و روستایی دیگر صورت گرفته است. یکی از مهم ترین پیامدهای این رشد ناهمگون، پیدایش سکونتگاه‌های غیر رسمی^۴ است.^۵ عناوین دیگر این پدیده سکونتگاه خودرو^۶ و یا حاشیه‌نشینی^۷ می باشند.^۸ ساکنین این سکونتگاه‌ها افرادی هستند که در محدوده حاشیه شهرها از نظر سکونت، بهداشت، خدمات عمومی، اجتماعی و تسهیلات زیربنایی شهری در شرایط نامساعدی قرار دارند. در واقع حاشیه‌نشینی شکل بی‌ضابطه‌ای از تجمع مکانی گروه‌های کم‌درآمد و اغلب مهاجر در نقاط آسیب‌پذیر شهری است که به صورت خودرو و فاقد مجوز رسمی از نهادهای قانونی ایجاد میشوند.^۹

«طبق آخرین آمار ذکر شده در مرداد ماه سال ۱۳۹۴ طرح جامع مسکن؛ در ایران یازده میلیون حاشیه نشین و یا همان ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی وجود دارند»^{۱۰}.

۳.۲. دلایل حاشیه‌نشینی در ایران

^۳ پیتر هال، اولریخ فایفر، آینده شهری قرن ۲۱، ص ۱۳

^۴ informal settlement

^۵ دیوید درااکاکیس، شهر جهان سومی، ص ۶۳

^۶ spontaneous settlement

^۷ squatter settlement

^۸ بهمن کارگر و رحیم سرور، شهر، حاشیه و امنیت اجتماعی،

ص ۳۱۹

^۹ محمد امین بهستانی، "حاشیه‌های حاشیه نشینی"، ص ۴۴

^{۱۰} احمد میرخدائی به نقل از فردین یزدانی، "ناتوانی در خرید مسکن به دهک هشتم سرایت کرد"

افزایش فزاینده‌ی جمعیت، نامتوازن بودن بخش‌های مختلف شهری در ایران و همچنین نبود امکانات و مشاغل مناسب در روستاها و برخی شهرهای کوچک، به علاوه‌ی جاذبه‌های شهرهای بزرگ، سبب مهاجرت‌های عظیم به سمت شهرهای مرکزی شده است. پرسش این است که حال این مهاجران کجا باید ساکن شوند؟^{۱۱}

در حالی که سهم مسکن در بودجه هر خانوار، به جز آب، برق و گاز، می‌بایست ۲۵ درصد باشد، در ایران این سهم ۳۳ درصد است و در بودجه خانوارهای کم درآمد این سهم تا بالای ۵۰ درصد هم افزایش پیدا میکند. معنای این افزایش آن است که فرد از سهم تغذیه، بهداشت و مخارج آموزش میگذرد تا فقط یک سرپناه داشته باشد. به علاوه در دنیا ۵ تا ۷ سال درآمد یک خانوار باید جوابگوی هزینه تهیه یک واحد مسکونی متوسط، در حد عرف آن جامعه باشد. اما از آنجا که شاخص توان-پذیری و دسترسی به مسکن، یعنی در واقع نسبت متوسط یک واحد مسکونی به درآمد سالانه‌ی هر خانوار، در جامعه ما در حال حاضر به بیش از ۱۱٫۵ سال رسیده است، میتوان گفت تهیه مسکن برای خانوارهای کم درآمد مهاجر تقریباً غیر ممکن است.^{۱۲}

بدیهی است که با این شرایط این افراد چاره‌ای ندارند جز روی آوردن به بازار غیررسمی زمین و مسکن. این بازار از طریق نقض ضوابط و مقررات معمول درباره‌ی کاربری زمین، تراکم، ضوابط ساخت و یا تفکیک، زمین و گاه مسکن را با قیمتی به مراتب کمتر از بازار رسمی در اختیار متقاضیان ویژه خود قرار داده است.

بدیهی است که این مهاجرت‌های پیوسته علاوه بر ایجاد پدیده‌ی اسکان غیررسمی، تبعات دیگری نیز دارند. به عنوان مثال، اتکای اقتصاد روستا به شهر که موجب به هدر رفتن نیروی متخصص کشاورز و رکود این بخش و همچنین پایین آمدن میزان تولید کشور می‌شود. به علاوه این روند، یعنی افزایش جمعیت غیر فعال نیروی کار، ایجاد مشاغل کاذب و بیکاری پنهان را نیز سبب می‌شود. جدای از تمامی این مسائل مهاجرت این قشر کم درآمد به شهر، مشکل کمبود مسکن و کیفیت پایین زندگی برای ایشان را دامن می‌زند.^{۱۳}

۳.۲. مشخصات کلی حاشیه نشینان

۳.۳.۱. کار و اقتصاد در حاشیه

بیکاری از معضلات اصلی حاشیه‌نشینان است. ساکنین این مناطق به دلیل برخوردار نبودن از سرمایه، مهارت فنی و حرفه‌ای برای اشتغال در اقتصاد شهری، در بیشتر موارد درگیر فعالیت‌هایی هستند که غیرمولد تلقی میشوند. در واقع این افراد در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند، ولی به روند اقتصادی شهر جذب نشده‌اند.^{۱۴} مشاغل کوتاه مدت، موقت و بی‌اعتبار سبب میشود تا ایشان حتی نتوانند برای آینده‌ی نزدیک خود برنامه‌ریزی کنند. ضمناً از آنجایی که سکونت آنها به صورت غیرقانونی می‌باشد، یارانه هم به ایشان تعلق نمی‌گیرد. همچنین به دلیل نبود منع فرهنگی در میان ساکنین، روی آوردن به مشاغل غیررسمی یا حتی غیرقانونی، عرف است. مشاغلی همچون فحشا، قاچاق مواد و یا پرورش مرغ و خروس و... این فقدان امنیت شغلی موجب می‌شود تا افراد نحوه‌ای از سکونت را برگزینند که نرخ آن به واسطه‌ی تغییر شرایط تغییر نکند و کمترین مبلغ ممکن را جهت سکونت بپردازند.^{۱۵}

^{۱۱} حبیب آقابخشی، حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی، ص ۱۸۹

^{۱۲} احمد میرخدائی به نقل از فردین یزدانی، "ناتوانی در خرید مسکن به دهک هشتم سرایت کرد"

^{۱۳} بهمن کارگر و رحیم سرور، شهر، حاشیه و امنیت اجتماعی،

ص ۳۵۲-۳۵۴

^{۱۴} سید سعید زاهد زاهدانی، حاشیه نشینی، ص ۲۷

^{۱۵} رضا اسماعیلی، مهدی امیدی، "بررسی تجربه حاشیه نشینی از دیدگاه حاشیه نشینان"، ص ۱۸۷-۱۹۱

۳.۳.۲. مطلوبیت شرایط در قیاس با گذشته

برخی از حاشیه‌نشینان با وجود داشتن توان مالی برای ترک این مناطق، همچنان میل به ماندن دارند، چراکه در مقایسه با شرایطی که در روستا و یا سایر مناطق شهری می‌توانند داشته باشند، این جزایر حاشیه‌ای بیشتر توانسته‌اند پاسخگوی نیازهایشان باشند از جمله اینکه ایشان هزینه‌ی خاصی برای مسکن، آب و یا برق پرداخت نمی‌کنند. در واقع این احساس قدرگرایی از عوارض توسعه‌ی ناهمگون، ضعف‌های بنیادین اقتصادی و همچنین عدم امکان پیش‌بینی آینده می‌باشد. در مجموع این افراد وضعیت حاشیه‌ای خود در شهرها را با وجود تمامی مشکلات، بهتر از زندگی در مکان‌های سابق خود ارزیابی می‌کنند.^{۱۳}

۳.۳.۳. اولویت‌های حاشیه‌نشینان

نبود مجال برای احساس نیازهایی از قبیل فردگرایی، مصرف‌گرایی و... سبب شده تا اولویت‌های این افراد کمی متفاوت از سایر شهرنشینان جلوه کند. برای حاشیه‌نشینان اولویت صرف وجود مسکن است نه کیفیت مسکن و یا مالکیت آن. در واقع منظور از مسکن، وجود پناهگاهی برای در امان ماندن از شرایط جوی می‌باشد.^{۱۶} در وضعیتی که گرسنگی فشار می‌آورد نمی‌توان به فکر مسکن بود، بنابراین مسئله‌ی درآمد و توان اداره زندگی پیش از همه‌ی مسائل مطرح است.^{۱۷}

۳.۳.۴. وجود نوعی پیوند و همبستگی

داشتن منافع مشترک، از جمله مبارزه علیه کسانی که منافع حاشیه‌نشینان را به خطر می‌اندازند و قصد بیرون راندن آنها از محل سکونتشان را دارند، سبب نوعی همبستگی میان این ساکنان می‌شود. هر نوع تهدید خارجی علیه این اجتماع، از جمله تهدیدات شهرداری در مورد پاکسازی منطقه و خراب کردن خانه‌ها، پیوند میان آنها را محکم‌تر می‌سازد. همچنین، وجود پیوندهای قومی میان افراد ساکن، که الگوهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مشترکی دارند نیز سبب همبستگی میان ایشان می‌گردد. در مجموع ساکنین به لحاظ فرهنگی در میان خود تفاوت چندانی را احساس نمی‌کنند و در نتیجه نسبت به محیط پیرامون و نگاه عوامل بیرونی، که نوعی احساس طردشدگی و تحقیر را در آنها به وجود آورده است، به گونه‌ای احساس امنیت می‌کنند.^{۱۸}

۳.۳.۵. ناهنجاری‌های اجتماعی

ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی در برابر هر گونه آسیب اجتماعی بی دفاع هستند. معمولاً عوامل بیرونی سکونتگاه‌های غیررسمی را کانون‌های جرم و فساد تلقی کرده و ساکنان آنها را از نظر اجتماعی آسیب‌زا می‌دانند، از این رو همواره سعی در از میان بردن این مناطق داشته‌اند. این امر بدیهی است چرا که این مردمان رفتارهای اجتماعی جدا از جامعه شهری داشته و اغلب به دزدی، گدایی، قاچاق و سایر مشاغل کاذب و فاسد مشغول‌اند. البته لزوماً تمامی این افراد شامل این شرح حال نیستند. این مناطق، نقاطی برای شکل‌گیری نوعی ناهنجاری فرهنگی به نام "فرهنگ فقر" هستند. این خرده فرهنگ هم نوعی سازگاری و هم یک نوع واکنش به موقعیت حاشیه‌ای در یک جامعه سرمایه‌سالار است که ساکنان را به گونه‌ای به مقاومت در

^{۱۳} رضا اسماعیلی، مهدی امیدی، "بررسی تجربه حاشیه‌نشینان از دیدگاه حاشیه‌نشینان"، ص ۱۴
^{۱۷} احمد میرخدائی به نقل از فردین یزدانی، "ناتوانی در خرید مسکن به دهک هشتم سرایت کرد"
^{۱۸} رضا اسماعیلی، مهدی امیدی، "بررسی تجربه حاشیه‌نشینان از دیدگاه حاشیه‌نشینان"، ص ۱۹۲-۱۹۴

مقابل پیشرفت و امیدارد. البته آنچه از بیرون ناپهنجاری اجتماعی دیده می‌شود از منظر خود ساکنین صرفاً یک شیوه زندگی و گاه حتی تنها راه زندگی است.^{۱۹}

۳.۳.۶. کیفیت مسکن

در این مناطق سطح کیفیت مسکن بسیار پایین است. به عنوان مثال استفاده از مصالح با مقاومت کم، آلونک‌هایی ساخته شده از سنگ، گل، حلبی و مصالحی از این دست بدون بهره‌مندی از برق، آب و ضروریات دیگر زندگی، از مشخصات بارز مسکن در این مناطق هستند.^{۲۰}

خرید و فروش و یا اجاره مسکن در مناطق حاشیه‌نشین به صورت قراردادی و قولنامه‌ای صورت می‌گیرد چرا که تعداد کمی از ساکنین برای مسکن خود سند قانونی دارند، و تعریف مالکیت در واقع نوعی حق آب و گل است برای افرادی که پیش‌تر وارد این منطقه شده‌اند.^{۲۱}

۳.۴. هویت و مسکن

مطابق با آنچه درباره سکونتگاه‌های غیر رسمی و ویژگی‌های عمده‌ی حاشیه‌نشینان گفته شد، حال میتوان به شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی در این مناطق پرداخت.

انسان از بدو تولد همواره در تلاش است که هویت خود را دریابد، تا بتواند خود را شناخته و نیز به دیگران بشناساند و در طی این فرآیند هویت‌یابی، تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرند. بر اساس علوم رفتاری، در شیوه‌ی تعامل محیط‌های مسکونی با ساکنان و بالعکس، هویت نقش به‌سزایی دارد.^{۲۲} حتی میتوان گفت هویت هدف اصلی سکونت است.^{۲۳} هویت در محیط مسکونی به دو گونه‌ی فردی و اجتماعی پدید می‌آید، که البته مسکن در این میان نقش اصلی را ایفا می‌کند.^{۲۴}

هر واحد مسکونی تحت تاثیر هویت فردی، در عین هماهنگی با محیط، می‌تواند ویژگی‌های فردی داشته باشد. این ویژگی‌های فردی تلاشی برای به‌نمایش‌گذارن جایگاه خانواده است و هماهنگی در محیط در پی پدید آوردن هویت اجتماعی است که معرف و نمادی از شرایط اجتماعی ساکنان در محیط مسکونی است. محیط مسکونی به عنوان نمادی از ساکنان، ویژگی‌هایی از ساکنان را بیان می‌کند، بنابراین هویت ساکنان در محیط سکونتشان بر اساس دو معیار مورد بررسی قرار می‌گیرد، یکی قابلیت‌های محیط و دیگری شیوه‌ی تعاملات ساکنان با محیط.^{۲۵}

در معیار اول هویت کالبدی، با بررسی خصوصیات کالبدی محیط، تفکرات و دیدگاه‌های ساکنین مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در مورد دوم با مطالعه‌ی علوم رفتاری ساکنان این امر میسر میشود. از اینجا در میابیم که در تنظیم مبانی نظری طراحی، نوع نگرش به انسان و تبیین رابطه او با محیط باید مورد توجه قرار گیرد.^{۲۶}

^{۱۹} رضا اسماعیلی، مهدی امیدی، "بررسی تجربه حاشیه‌نشینان از دیدگاه حاشیه‌نشینان"، ص ۲۰۳

^{۲۰} حسین شکویی، حاشیه‌نشین شهری، ص ۱۳

^{۲۱} رضا اسماعیلی، مهدی امیدی، "بررسی تجربه حاشیه‌نشینان از دیدگاه حاشیه‌نشینان"، ص ۱۸۳

^{۲۲} Gatson Bachelard, The Oneiric House

^{۲۳} کریستین نوربری شولتز، مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی، ص ۲۲

^{۲۴} شهرام پوردیهیمی، عبدالمجید نورقانی، "هویت و مسکن"، ص ۱

^{۲۵} رابرت گیفورد، روان‌شناسی محیط مسکونی، ص ۵۶

^{۲۶} Amos Rapoport, Culture, Architecture and Design, p98

بنابراین در رابطه با تامین مسکن حاشیه‌نشینان نیز بررسی و شناخت ساکنین و رابطه‌ی آنها با محیط سکونتشان امری واجب است. چرا که در غیر این صورت سکونتگاه‌هایی را طراحی کرده ایم که با معیارهای اجتماعی، اقتصادی و ارزش‌های مورد قبول این مردم هماهنگ نخواهند بود. کما اینکه تا به حال نیز این اتفاق رخ داده است.

در ادامه باید به این نکته اشاره کرد که زمانی که انسان با سکنی گزیدن هویت خود را تثبیت نمود، تعلق به مکان در وی رشد میکند، و سپس با رشد تعلق به مکان، افراد شروع می‌کنند به تعریف کردن خود با مکان در دو مقیاس، یک مقیاس بزرگتر (ملیت، منطقه، شهر) و یک مقیاس کوچکتر (محله، محل کار، خانه، اتاق).^{۲۷}

این اتفاق، یعنی ایجاد حس تعلق به مکان، در مناطق حاشیه‌نشین نیز رخ می‌دهد ولی به شکلی دیگر. هویتی که در این سکونتگاه‌های غیر رسمی شکل می‌گیرد نوعی هویت سردرگم است و یکی از دلایل آن نگاه عوامل بیرونی و احساس طرد شدگی اجتماعی می‌باشد. همین امر موجب می‌شود که این افراد نتوانند خود را در مقیاس بزرگتر یعنی در مقیاس یک جامعه تعریف کنند. در عین حال احساس تعلق به مکانی که در این افراد شکل می‌گیرد به گونه‌ای از سر اجبار رخ می‌دهد. چراکه ساکنان این مناطق باید برای بقای خود با عوامل بیرونی (از جمله شهرداری) مبارزه کنند، در غیر این صورت بی‌سرپناه خواهند ماند. بنابراین این پناهگاه فعلی هر چند با شرایطی نا مساعد، تنها سکونتگاه در دسترس برای این افراد است^{۲۸} که می‌بایست برای حفظ آن خود را بدان متعلق بدانند.

هویت به خودی خود در دسترس نیست بلکه همواره با فعل شناسایی همراه بوده و باید تثبیت شود و لازمه آن طبقه‌بندی کردن اشیا و افراد و مرتبط ساختن خود با چیزی یا کسی دیگر است. پس هویت یک پدید آنی نیست بلکه یک فرآیند می‌باشد، فرآیندی که با انگیزش‌ها و نیازهای فطری هدایت می‌شود.^{۲۹}

حال آنچه ما در حاشیه‌ها شاهد آن هستیم، فرآیند مبارزه دائمی^{۳۰} و روزمره برای بقاست که به این جزایر حاشیه‌ای هویت می‌بخشد.^{۳۱} در این قشر خاص اولویت داشتن انگیزه‌ی بقا، مجال نمی‌دهد تا این افراد به سایر نیازهای فطری خود بپردازند. به هر صورت انسانها در هر محیط مسکونی با یک فرآیند کنش متقابل اجتماعی به گونه‌ای نمادین معنایی را به دیگران انتقال می‌دهند. سپس دیگران این نمادهای معنی دار را تفسیر کرده و بر پایه تفسیرشان واکنش نشان می‌دهند. بنابراین فرد هویت خود را در ارزیابی دیگران جستجو می‌کند و احساس می‌کند که کلیتی متمایز از دیگران است. در نتیجه هویت بر اساس شباهت و تفاوت نسبی با دیگران تعریف می‌شود.^{۳۲}

به همین ترتیب، مفهوم هویت به طور همزمان میان افراد یا اشیا دو نسبت محتمل برقرار می‌سازد، از یک طرف شباهت و از طرف دیگر تفاوت. هویت، درک افراد از این مطلب است که چه کسی هستند؟ و دیگران کیستند؟ و از طرفی درک دیگران از خودشان و افراد دیگر چیست؟

شاید در مورد حاشیه‌نشینان بتوان گفت که ایشان در درک هویت خویش با ارزیابی واکنش عوامل بیرونی، خود را نسبت به پیرامون متمایز و بیگانه و نسبت به خود مشابه و در یک سطح می‌بینند.

برای درک بهتر تعامل هویت ساکنان و محیط مسکونی، به مثال‌هایی در این باره می‌توان اشاره کرد. یکی از بحث‌هایی که در این باره وجود دارد، مسئله‌ی تاثیر نزدیکی و مجاورت در تعاملات اجتماعی است.^{۳۳} به طور مثال: هر چند زندگی در یک کوچه بن بست تاثیری بر اجتماعی شدن بیشتر افراد ندارد، اما می‌تواند گرایش و تمایل در این جهت را

^{۲۷} دوان شولتز و سیدنی ال شولتز، نظریه‌های شخصیت، ص ۵۵۰

^{۲۸} ناصر فکوهی، سپیده پارسا پژه، "بررسی انسان شناختی محله‌ی آلونک نشین علی آباد مهران"، ص ۷۹

^{۲۹} جان مارشال ریو، انگیزش و هیجان، ص ۸

^{۳۰} مبارزه علیه تهدیدات شهرداری در مورد پاکسازی

منطقه و خراب کردن خانه‌ها

^{۳۱} ناصر فکوهی، سپیده پارسا پژه، "بررسی انسان شناختی محله‌ی آلونک نشین علی آباد مهران"، ص ۹۱

^{۳۲} جورج ریتز، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ص ۲۸۴

^{۳۳} شهرام پوردیهیمی، عبدالمجید نور تقانی، "هویت و مسکن"، ص ۴-۶

تسهیل کند. به طور مشابه شاید زندگی کردن در یک خیابان باز، مردم را از تعاملات اجتماعی باز ندارد. اما بر دوری گزیدن افراد از یکدیگر مؤثر است.^{۳۴} از این روست که در مناطق حاشیه‌نشین به دلیل تراکم بالا و مجاورت خانه‌ها و یا آلودگی‌ها، تعاملات اجتماعی ساکنین به مراتب بیشتر است از افرادی که در یک مجتمع و یا در یک کوچه سکنی دارند. شایان ذکر است که این اتفاق صرفاً مثبت و یا منفی بودن این تعاملات را تعیین نمی‌کند، کما اینکه در خصوص این قشر، اثر منفی نداشتن خلوت شخصی را نیز به دنبال داشته است.

از دیگر مفاهیم هویت‌ساز در محیط‌های مسکونی، شخصی سازی میباشد، بدین معنا که فرد یا افراد با تغییر نمادین محیط مطابق با آنچه مد نظر دارند مفاهیم و ارزش‌های خود را به سایرین انتقال می‌دهند. در مجموع افراد به صورت آگاهانه و یا به طور ناخودآگاه از محیط خانه، چه در فضاهای خصوصی و یا عمومی خانه، به عنوان ابزاری برای بیان هویت خود استفاده می‌کنند. به همین ترتیب است که می‌توان از محیط سکونت هر فرد به برخی عقاید و ارزش‌ها، سطح زندگی و یا شیوه‌ی زندگی وی پی برد. به عنوان مثال کتاب‌های داخل قفسه، کارهای هنری روی دیوار و در مجموع آن بخش از خانه که در معرض دید دیگران قرار می‌گیرد، تا اندازه‌ای بازگوکننده‌ی کیستی فرد ساکن هستند. بنابراین محیط و هویت ارتباط جدایی ناپذیری دارند.^{۳۵}

اما آنچه درباره ساکنین حاشیه‌ای مشخص است، آن است که این افراد، یک به دلیل نداشتن توان مالی و دو به سبب تعدد افراد ساکن در هر خانه، از عمل شخصی‌سازی و ایجاد هویت فردی محرومند.

سیما و ظاهر محل سکونت ایشان ناهمگون و ناخوشایند است و این امر سبب می‌شود که تصور فرد از خود با تصویری که از طریق محیط از او ایجاد میشود، متفاوت باشد. بنابراین شخص همیشه باید به توجیه هویت خود بپردازد. به علاوه همگونی و سازگاری ذهنی با تعلق مکانی و تصور اجتماعی در ارتباط است.^{۳۶}

این همان اتفاقی است که در مناطق حاشیه‌نشین نمی‌تواند شکل بگیرد و در نهایت منجر به طردشدگی اجتماعی میشود. به طور کلی می‌توان گفت هیچ محیط فیزیکی نیست که یک محیط اجتماعی هم نباشد، محیط مسکونی می‌تواند محلی برای تجلی هویت افراد باشد، که البته برای بیان این هویت در فضا، ابتدا شخص باید توانایی ایجاد محیط فیزیکی را داشته باشد.^{۳۷} حال آنکه افراد با سطح درآمد ناچیز، چیزی برای به نمایش گذاشتن ندارند که بدان وسیله خود را معرفی کنند. به بیانی دیگر هر طبقه اجتماعی، فضای شهری خود را تولید می‌کند، لیکن در این میان طبقاتی باقی می‌مانند که قادر به تولید فضای شهری خاص خود نیستند.^{۳۸}

۳.۵. حاشیه‌نشینی و سیاست‌های اتخاذ شده تا به امروز

مسکن نمی‌تواند خارج از حیطه‌ی اقتصاد حرکت کند به علاوه در یک اقتصاد سالم همه‌ی منابع به بخش مسکن تعلق پیدا نمی‌کنند، بلکه اولویت با بخش‌های قابل مبادله اقتصاد است تا بتوان یک درآمد پایدار برای افراد ایجاد کرد و سپس نشستی این درآمدها به سمت بخش‌های غیرقابل مبادله و بخش مسکن می‌رود. این در حالی است که سهم مسکن از کل سرمایه‌گذاری‌ها در کشور تا به ۴۰ درصد نیز رسیده است و در هیچ کشور دیگری این وضعیت دیده نمی‌شود.^{۳۹} مشکل آنجاست که کارشناسان و سیاست‌مداران میخواهند یک روزه همه‌ی مسائل را حل کنند و در این میان عدم شناخت حاشیه‌نشینان و نگاه صرف برون سیستمی سبب شده تا آنچه به عنوان مشکلات حاشیه‌نشینان مطرح می‌شود، درحقیقت

^{۳۴} Barbara Brown and Carol Werner, Social Cohesiveness, Territoriality, and Holiday Decorations, p560

^{۳۵} Marcus Clare Cooper, House as a Mirror of Self, p56

^{۳۶} پیترو هال، اولریخ فایفر، آینده شهری قرن ۲۱

^{۳۷} شهرام پوردیهیمی، عبدالمجید نور تقانی، "هویت و مسکن"، ص ۹

^{۳۸} Amos Rapoport, Culture, Architecture and Design, p94

^{۳۹} احمد میرخدائی به نقل از فردین یزدانی، " ناتوانی در خرید مسکن به دهک هشتم سرایت کرد

مشکلات غیرحاشیه‌نشینان و آنچه به عنوان نیازهای ساکنان این مناطق مطرح میشود، تحمیل نیازهای نخبگان به این مردمان می‌باشد. درک و تجربه حاشیه‌نشینان همان درکی نیست که دیگران، اعم از پژوهشگران، سیاستگذاران و عامه مردم از این تجربه دارند. پس بررسی تجارب افراد درگیر در متن موضوع نه پیرامون آن، واجب است. به ویژه آنکه هرگونه تدبیری بدون شناخت موجب اتلاف منابع نیز می‌شود.

تا به امروز تصمیمات و سیاست‌هایی که برای حل این مسئله اتخاذ شده‌اند راه به جایی نبرده و ناکام مانده‌اند. از جمله این تصمیمات جابه‌جایی ساکنین به محیطی با شرایط بهتر بوده است که البته پس از مدتی افراد با ترک سکونتگاه‌های رسمی جدید به همان سکونتگاه غیررسمی سابق خود بازگشته‌اند، چراکه در این مناطق از مزایایی چون امکان کار، برخورداری که در نقاط دیگر امکان دستیابی به آنها وجود ندارد.^{۴۰}

از دیگر راه‌کارهای اندیشیده شده، قانونی کردن محل سکونت حاشیه‌نشینان بوده است و یا انواع وام و تسهیلات برای کسانی که توان مالی ندارند تا بتوانند مالک شوند. این راه حل نیز به سرانجام نرسیده است.^{۴۱}

چراکه تا زمانی که شهرداری، بازیگران مسکن و زمین‌خواران به دنبال سود حاصله از سرمایه‌گذاری در مسکن هستند، قیمت زمین و مسکن هر روزه افزایش یافته و مبلغ وام‌ها هرچند پا به پای قیمت‌ها بالا رود امکان دستیابی همچنان برای افراد بی‌بضاعت فراهم نمی‌شود.^{۴۲}

شاید بتوان در این باره به طرح مسکن مهر اشاره کرد. طرح مسکن اجتماعی در زمین‌های دولتی برای تامین مسکن گروه‌های کم‌درآمد که در سال ۸۴ مطرح شد و ابتدا عنوانش واگذاری حق بهره‌برداری از زمین بود ولی در سال‌های بعد مسکن مهر نام گرفت، که به دلایل مختلفی از جمله مکان‌یابی نادرست، در نظر نگرفتن خصیصه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جماعت مورد نظر و همچنین عدم محاسبه‌ی کاربری‌های خدماتی مورد نیاز، در دستیابی به اهداف مورد نظر پروژه‌ای موفق نبود.

مدیر علمی طرح جامع مسکن در این باره می‌گوید:

"می‌بایست به سیاست‌های اجتماعی نظم بخشید، این نظم بخشی به کلیه حوزه‌های مرتبط با مسکن از جمله مسکن گروه‌های کم درآمد، بازار زمین، بافت‌های مسئله‌دار شهری شامل سکونتگاه‌های غیررسمی و بافت‌های فرسوده، صنعت ساختمان، مسکن روستایی، نظام تامین مالی و مسکن و سامان بخشی به نظام استیجار، نظام برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری و ... باز می‌گردد."

از دیگر دلایل شکست راهبردهای انجام شده تا به امروز، محاسبه‌ی نادرست مقیاس در تهیه‌ی مسکن برای این قشر از جامعه است. به عنوان مثال، در طرح مسکن مهر، مقیاس برآورد شده در شروع ۲۰ هزار واحد مسکونی در سال بود، که بنا بود به تدریج و در یک دوره‌ی ۴ ساله به ۵۰ هزار واحد در سال برسد. ولیکن این تعداد در سیاست‌های دولت بعدی به ۱,۵ تا ۲ میلیون واحد تغییر مقیاس داد.^{۴۳}

در مجموع سیاست‌های اتخاذ شده تا به امروز در حل این مسئله ناتوان بوده‌اند، و دلیل این امر نبود حمایت‌های اجتماعی و همچنین نبود یک سیاست اجتماعی تدوین شده است.

۳.۶. نمونه‌ای موفق در تامین مسکن حداقل

معضل سکونتگاه‌های غیر رسمی نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از سایر کشورهای جهان نیز دولت‌ها را به فکر چاره انداخته است. یکی از نمونه‌های موفق در چاره اندیشی برای افراد کم درآمد و بی‌خانمان، مجموعه خانه‌های طراحی شده

^{۴۰} رضا اسماعیلی، مهدی امیدی، "بررسی تجربه حاشیه‌نشینان از دیدگاه حاشیه‌نشینان"، ص ۲۰۵-۲۰۴

^{۴۱} احمد میرخدائی به نقل از فردین یزدانی، "ناتوانی در خرید مسکن به دهک هشتم سرایت کرد"

^{۴۲} ناصر فکوهی، سپیده پارسایزوه، "بررسی انسان شناختی محله ی آلونک نشین علی آباد مهران"، ص ۷۶

^{۴۳} احمد میرخدائی به نقل از فردین یزدانی، "ناتوانی در خرید مسکن به دهک هشتم سرایت کرد"

توسط "Richard Rogers" واقع در محله "Mitcham" در شمال کشور لندن است. این مجموعه شامل خانه‌های مکعب شکل مدولاریست که قابلیت جابه‌جایی و سوارشدن بر روی هم را دارند. بدین صورت این بلوک‌ها می‌توانند در سایت‌های موقت در سراسر پایتخت کشور انگلیس مستقر شوند. هر کدام از این بلوک‌ها ۲۶ متر مکعب مساحت دارند و شامل یک نشیمن و آشپزخانه ترکیب شده و یک اتاق خواب مجزا می‌باشند. به علاوه ساخت هر کدام از این بلوک‌ها در کارخانه تنها یک هفته زمان می‌برد و همین مقدار زمان نیز برای سوارکردن آن‌ها لازم است. در محاسبه‌ی ابعاد بلوک‌ها، ظرفیت ماشین‌های باربری برای انتقال آن‌ها نیز در نظر گرفته شده است. هزینه‌ی نهایی برای هر واحد ۳۰ هزار پوند و اجاره بهای هر یک نیز ۱۵۰ پوند برای یک هفته می‌باشد. تمامی هزینه‌های مربوط به مدیریت و نظارت در این پروژه حذف می‌شوند، زیرا تمام آنچه که باید انجام پذیرد آوردن بلوک‌ها به محل و سوارکردن آن‌ها بر روی یکدیگر است. مجموعه‌ی فعلی در یک زمین خالی متعلق به یک موسسه‌ی خیریه استقرار یافته است. طراح معتقد است که در تامین مسکن حداقل میزان عرضه از تقاضا عقب مانده است و مطابق با محاسبات وی حداقل نزدیک به نیم میلیون بلوک دیگر می‌بایست در زمین‌های بلا استفاده‌ی پایتخت مستقر شوند. "Rogers" همچنین باور دارد که در زمینه‌ی مسکن ارزان قیمت باید به روش‌های بدیع خانه سازی روی آورد؛ در غیر این صورت بحران مسکن فشر کم‌درآمد تشدید خواهد شد.

هدف این پروژه آن است که به ساکنین این امکان داده شود تا بتوانند پول خود را پس انداز کرده و در آینده در بخش خصوصی مسکن صاحب خانه شوند. مطابق با نظرات "Rogers" در خصوص تامین مسکن سکونتگاه‌های این چینی، روش‌های ساخت خارج از سایت و پیش‌ساخته بیشترین کارکرد را دارند.^{۴۴}



شکل ۱. تصویری از داخل یکی از واحدهای طراحی شده توسط "Richard Rogers"

شکل ۲. سوارکردن یکی از بلوک‌های طراحی شده توسط "Richard Rogers" بر روی دیگر بلوک‌ها

مأخذ: www.dezeen.com

۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش تحلیلی- توصیفی مبتنی بر مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای؛ و نیز با استفاده از روش‌های کیفی مبتنی بر مطالعات میدانی انجام پذیرفته. در آغاز میانی نظری پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای به دست آمده سپس مطالعات اسنادی جمع آوری شده توسط بنیاد خیریه‌ی برین^{۴۵} درباره‌ی نمونه‌ی مطالعاتی، مورد بررسی قرار گرفت.

^{۴۴} Jessica Mairs , Richard Roger's prefabricated housing for homeless people opens in south London

^{۴۵} بنیاد خیریه برین: تهران، میداماد، میدان مادر، خیابان سنجابی (بهرز)، کوچه چهاردهم، پلاک ۱۴

شماره تماس: ۰۲۱۲۲۲۶۱۶۰۰

بنیاد برین نهادی خصوصی است که با حمایت‌های گسترده‌ی نهادهای دولتی و خصوصی مختلف ، مطالعات جامعی را درباره‌ی زاغه‌نشینان ساکن در مناطق مختلف از جمله منطقه‌ی قلعه سیمون واقع در حومه‌ی اسلامشهر(نمونه مطالعاتی پژوهش حاضر)، انجام داده است. مطالعات میدانی بنیاد توسط افراد متخصص، از جمله مددکاران اجتماعی، مستندسازان و افراد تعلیم دیده در بنیاد انجام گردیده است.

مطالعات میدانی نگارندگان نیز در پی بررسی کامل محله‌ی مورد نظر با نگرشی درون‌گرا شامل مشاهده‌ی مستقیم، مشارکت و مصاحبه عمیق و باز، انجام شد. بدین منظور نمونه‌ها از افراد با گروه سنی ۲۰ تا ۵۰ سال که بیش از ۱۵ سال در محل پژوهش ساکن بوده‌اند، نیز بین گروه سنی ۸ تا ۱۵ سال، با روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف انتخاب شدند. پس از اشباع اطلاعاتی، نمونه‌های گروه سنی اول به ۱۵ نفر و نمونه‌های گروه سنی دوم به ۱۰ نفر رسید. سپس، رفتارهای روزانه‌ی ساکنین به طور جامع مورد ارزیابی قرار گرفت. یافته‌های حاصل از این مطالعات در قالب سه مضمون استخراج شدند.

۵. معرفی نمونه‌ی مطالعاتی : "قلعه سیمون" در حاشیه‌ی اسلامشهر

رشد و گسترش کالبدی شهر تهران به لحاظ جغرافیایی در اطراف هسته اصلی آن شکل گرفته است، ولیکن گسترش این شهر به صورت بی‌برنامه و پراکنده رخ داده است. تهران جزء شهرهایی است که بیشترین میزان مهاجرپذیری را در کشور دارد. بسیاری از این مهاجران به دلیل عدم توان مالی، قادر به تهیه مسکن و پرداخت هزینه‌های زندگی در متن شهر نبوده و به ناچار به زمین‌های غیررسمی حاشیه‌ی شهر پناه می‌برند. در این میان منطقه اسلامشهر واقع در جنوب غربی تهران، با تراکم بالای جمعیت و افزایش رو به رشد قابل ملاحظه‌ی سالانه، نقطه‌ی حساسی از گسترش سکونتگاه‌های خودرو برای کلانشهر تهران محسوب می‌شود.^{۴۶}

اسلامشهر در سال ۱۳۴۵ یک آبادی هزار نفری بود، که در سال ۸۷ پس از مهاجرت‌های پی در پی به این منطقه و گسترش حاشیه‌نشین، به شهری ۵۰۰ هزار نفری تبدیل گشت. طی سال‌های ۴۵ تا ۶۵، به جز تهران که طرح جامع داشت و تا حدودی هم کرج، باقی مناطق و از جمله حوزه‌ی اسلامشهر تابع هیچ نوع سیاست و راهبرد و برنامه‌ی جامع‌ای با هدف هدایت و کنترل توسعه‌ی هماهنگ نبودند، و عمدتاً حاصل اسکان غیررسمی گروه‌های کم درآمد در اراضی حاشیه و اطراف آبادی‌ها، شهرها و راه‌های اصلی منطقه بودند.^{۴۷}

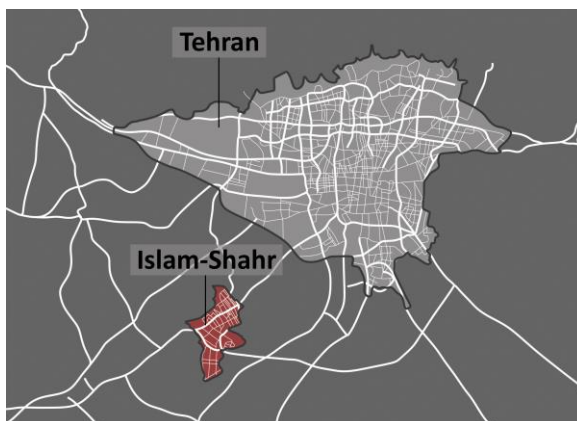
علاوه بر اسکان جمعیت، نحوه‌ی استقرار فعالیت‌ها در منطقه نیز تابع هیچ گونه سیاست، برنامه و یا طرح کلی نبوده است. طرح‌های عمرانی دولتی و عمومی همچون شهرک‌های صنعتی، شهرهای جدید، مراکز آموزشی عالی، مراکز خدماتی گوناگون ... نیز به صورت موردی و در چارچوب برنامه‌های بخشی و بدون هماهنگی با یکدیگر در منطقه مستقر شده‌اند.^{۴۸}

ایمیل : info@barinfoundation.com

^{۴۶} بهمن کارگر و رحیم سرور، شهر، حاشیه و امنیت اجتماعی، ص ۳۴۸-۳۴۹

^{۴۷} رحیم سرور، مهاجرت از تهران رویکردی جدید در تمرکززدایی از پایتخت، ص ۳-۸

^{۴۸} بهمن کارگر و رحیم سرور، شهر، حاشیه و امنیت اجتماعی، ص ۳۵۱



شکل ۳. موقعیت اسلامشهر واقع در جنوب غرب تهران
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

با گذر زمان، افراد ساکن در این منطقه جایگاه خود را تثبیت کرده و با اعمال فشار بر عوامل و ارگان‌های مسئول، مراکز حاشیه نشین به نوبت به شهر تبدیل گشته و رسمیت یافته‌اند. البته قابل ذکر است که این مراکز در ظاهر نام شهر به خود گرفته‌اند و در واقع تنها توانسته‌اند از زیر ساخت‌های نسبی شهری همچون آب، برق، گاز و برخی خدمات دیگر بهره‌مند شوند. به بیان دیگر افراد ساکن در این مناطق گرایش به سکونت در شهر دارند ولی همچنان متأثر از مشخصه‌های روستایی می‌باشند^{۴۹}. به هر صورت، به تدریج نوعی از پیوند کالبدی در این مجموعه‌های سکونتی ایجاد شده است. آنچه در این میان به پیوند نسبی کالبدی مردمی کمک می‌رساند، پیوند اجتماعی و همسایگی قوی است که خمیر مایه اجتماع مردم در این سکونتگاه‌هاست. ولیکن ساکنین این مراکز در سطحی از فرهنگ و اجتماع قرار می‌گیرند که ورود به جامعه مدنی و توسعه‌ی مدنیت در این مکان‌ها محدود می‌شود.^{۵۰}

علاوه بر معضلات ذکر شده، سایر مشکلات به وجود آمده در این منطقه از این قرار است:

- استقرار نامناسب و نامتعادل جمعیت و فعالیت در منطقه
- استفاده‌ی غیر معقول از زمین در اثر ساخت و سازهای پراکنده و از میان رفتن یکپارچگی اراضی
- آلودگی هوا، آب، خاک و تخریب حوضه‌های آبخیز و محیط زیست
- کم رنگ شدن هویت و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی
- نزول کیفیت زندگی

مجموعه مطالب گفته شده یک روند دائمی می‌باشد که در حال حاضر در حاشیه‌ی مرکز اسلامشهر، در حال رخ دادن است. در واقع این روند حاشیه‌نشینی، علی‌رغم سیاست‌ها و برنامه‌های تعبیه و اجرا شده از طرف دولت، همچنان در این محدوده ادامه داشته و رو به رشد است. این مسئله، با توجه به این که مرکز اسلامشهر خود با کمبود برخی زیرساخت‌ها و خدمات شهری، به علاوه‌ی شبکه‌های حمل و نقل مواجه است، مشکلات و معضلات سکونتگاه‌های غیررسمی حاشیه‌ی این محدوده را دوچندان می‌سازد.

در واقع پدیده حاشیه‌نشینی عمدتاً در اطراف مناطقی با انواع خدمات شهری صورت می‌پذیرد، تا بدین وسیله ساکنین بتوانند به واسطه امکانات موجود در این مناطق، خود نیز به مرور زمان از این خدمات بهره‌مند شوند. ولیکن حاشیه‌نشینان اسلامشهر به نحوی در مجاورت مجموعه‌ای از سکونتگاه‌های نوپای حاشیه‌ی شهر تهران استقرار یافته‌اند، که خود به تازگی از حالت غیررسمی خارج شده‌اند.^{۵۱}

^{۴۹} این امر پدیده‌ی روستایی شدن شهرها، نام دارد.

^{۵۰} محمد شیخی، سکونتگاه‌های خودرو، ص ۸۰

^{۵۱} بهمن کارگر و رحیم سرور، شهر، حاشیه و امنیت اجتماعی، ص ۳۲۸-۳۴۰

نمونه‌ی مطالعاتی نیز یکی از سکونتگاه‌های غیررسمی نوپنیا در حاشیه‌ی اسلامشهر است که "قلعه سیمون" نام دارد. قلعه سیمون مجاور جاده کاشانک در ضلع جنوب غربی محلات ملک آباد و عباس آباد، در زمین‌های گسترده‌ی کشاورزی شرق اسلامشهر واقع شده است. مهدی معمارزاده، کارشناس میراث فرهنگی، قلعه سیمون را قلعه‌ی اربابی می‌داند که در آن ارباب و رعیت در کنار هم زندگی می‌کرده‌اند. زمانی خرده‌مالک‌ها نیز روی زمین‌های اطراف قلعه کارگری می‌کردند. هنگامی که برادر احمدشاه قاجار، محمد حسن میرزا از ترس قشون قزاق راهی این قسمت از شهر شد. آن زمان این منطقه بیابانی بی سکنه بود. شاهزاده قجری، صد هکتار از زمین‌های این منطقه را خرید و کارگر نیز با خودش آورد تا از غضب رضاخان، پادشاه جدید، در امان بماند. وی قلعه‌ای برای خودش بنا کرد (بین سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۸) که بعدها "قلعه سیمون" یا "هزار اردک"^{۵۲} نام گرفت.^{۵۳}

در این منطقه، که ۳۶ خانوار سکونت دارند، مشکلاتی همچون نبود گاز، نبود آب تصفیه شده، تاسیسات فاضلاب، سرویس بهداشتی و یا حمام، تجهیزات سرمایشی و گرمایشی و غیره زندگی را بر ساکنان این محل دشوار ساخته است.



شکل ۴. موقعیت قلعه سیمون واقع در شمال شرق اسلامشهر
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

۶ یافته‌های تحقیق

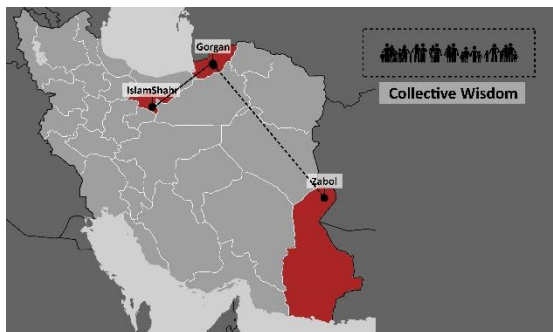
۶.۱ یافته‌های بدست آمده از مطالعات میدانی نگارندگان

۶.۱.۱ خرد جمعی

ترکیب جمعیتی ساکنین این ناحیه را غالباً مهاجران زابلی تشکیل داده‌اند که پس از خشکسالی در زایل به گرگان و پس از وقوع سیل در این منطقه در سال ۱۳۷۱ به این منطقه مهاجرت کرده‌اند. در این میان تعدادی نیز خانوار افغان زندگی می‌کنند. ساکنین یکی از دلایل مهاجرت خود از گرگان به اسلامشهر را اینگونه بازگو می‌کنند که در مبدأ (گرگان) درآمد کار کشاورزی میان ارباب و رعیت با نسبت دو سوم به یک سوم تقسیم می‌گردد؛ ولیکن در تهران این نسبت مساوی است و در نتیجه درآمد رعیت بیشتر است. به علاوه ساکنین ادعا می‌کنند که در گرگان همین سرپناه (زاغه‌ها) نیز برایشان فراهم نبوده است. مسیر مهاجرت این افراد و انتخاب مقصد در هر دوره از مهاجرت حاکی از آن است که این افراد از نوعی "خرد جمعی" برخوردارند و براساس یک تحلیل و تفسیر فکری محل سکونت خود را برگزیده‌اند.

^{۵۲} به علت وجود اردک های فراوان در این قلعه، آن را "قلعه‌ی هزار اردک" نامیده‌اند.

^{۵۳} فروغ فکری، "نگاهی به وضع اهالی قلعه هزار اردک بعد از شروع ساخت و ساز"



شکل ۵. مسیر مهاجرت ساکنین قلعه سیمون
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

۲.۱.۶. هویت جمعی

همانطور که گفته شد بخش زیادی از هویت هر فرد در سکونت وی شکل می‌گیرد؛ بنابراین آن بخش از هویت ساکنان قلعه سیمون که در رابطه با سکونت معنا پیدا می‌کند در نسبت با جمع تعریف می‌گردد، نه در نسبت با هر فرد. می‌توان گفت که آنچه سبب می‌شود تا این افراد قلعه سیمون را خانه‌ی خویش بخوانند، زاغه‌های موجود نیست؛ بلکه با هم بودن و متحد بودن این افراد علیه تهدیدهای خارجی از جانب نهادهای دولتی، مالکین زمین‌های قلعه سیمون و تلاش ساکنین برای حفظ قلمروی خویش (قلعه سیمون)، سبب شده تا قلعه برای ایشان مفهوم خانه داشته باشد.

۳.۱.۶. ازدحام و معضلات اجتماعی

میانگین مساحت هر خانه در این زاغه ۱۲ مترمکعب است و هیچ کدام از خانه‌ها پنجره نداشته و در نتیجه از تهویه و نور طبیعی نیز محروم بوده و بیشتر افراد مشکل تنفسی و قلبی دارند. بالغ بر ۴۰ درصد از آقایان، گرفتار معضل اعتیاد هستند. گرچه ایشان فقط مصرف‌کننده بوده و به خرید و فروش مواد مخدر مشغول نمی‌باشند. ولیکن مشاغل کاذب دیگری از جمله پرورش مرغ، جمع‌آوری ضایعات و غیره در این محدوده مشاهده می‌شود. لازم به ذکر است که افراد ساکن در قلعه سیمون با وجود داشتن ویژگی‌های مشابه فراوان با سایر زاغه‌ها، هیچ کدام بزهکار نیستند.

در قلعه سیمون تراکم جمعیت بالاست بدین معنی که در هر ۱۲ مترمربع به طور میانگین ۵ نفر با هم زندگی می‌کنند، و ساکنان قلعه تمام روز را در کنار یکدیگر به شب می‌رانند. علاوه بر نبود فضای کافی، وجود نسبت‌های قومی نیز از دیگر دلایل ازدحام در این سکونتگاه است.

ازدحام وضعیتی اجتماعی است که در آن سازوکارهای خلوت و فضای شخصی مختل می‌گردد.^{۵۴}

همچنین در این وضعیت پرازدحام و در نبود توانایی مالی، افراد از امکان شخصی سازی محروم می‌شوند. به عنوان مثال ممکن است فردی پنجره‌ی اتاق خویش را با روزنامه بپوشاند، فرد دیگر با پرده؛ و یا فردی پشت پنجره گل می‌کارد، فردی دیگر برای ایجاد حس امنیت از حفاظ استفاده می‌کند؛ که در قلعه سیمون این امکان فراهم نیست.

۲.۶. یافته‌های بدست آمده از بررسی اطلاعات جمع‌آوری شده توسط بنیاد برین

۱.۲.۶. ویژگی‌های جمعیتی و امکان توانمندسازی

⁵⁴ Robert Gifford, Environmental psychology, principles and practice, p163

بر اساس بررسی‌های انجام شده توسط بنیاد برین، مهاجرت به این منطقه از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵ بوده است و طی این سال‌ها ۳۶ خانوار مهاجرت کرده‌اند. ۲۲ درصد از سرپرستان هنگام مهاجرت بین ۲ تا ۱۵ سال داشته‌اند. ۳۱ درصد بین ۱۵ تا ۲۵ و ۴۷ درصد بین ۲۵ تا ۶۰ سال؛ بنابراین ۷۰ درصد از ساکنین بعد از ازدواج مهاجرت کرده‌اند. در این بین میانگین سنی سرپرستان مرد ۴۰ سال و زن ۳۷ سال می‌باشد، به بیان دیگر اکثر والدین جوان بوده در نتیجه امکان توانمندسازی ایشان به واسطه‌ی برگزاری برنامه‌های آموزشی و فرهنگی از جانب نهادهایی چون بنیاد برین وجود دارد. البته میبایست میزان سواد ساکنین را نیز در نظر داشت. اکثر افراد میانسال سواد ندارند و تعداد کمی از ایشان تنها سواد خواندن و نوشتن را دارند. قشر نوجوان و جوان نیز به دلیل هزینه‌ی رفت و آمد تنها مقطع ابتدایی را در مدرسه‌ای نزدیک به قلعه، در ده عباس، گذرانده‌اند، چرا که مدرسه‌ی نام برده تنها مقطع ابتدایی را شامل می‌شود.

۸۸ درصد از خانوارها نسبت فامیلی دارند که از این بین ۳۸ درصد به واسطه‌ی ازدواج نسبت پیدا کرده‌اند. این نسبت‌ها از دلایل مهم وجود پیوند قوی میان ساکنین است و البته داشتن سرنوشت مشترک و حفظ منافع علیه تهدیدهای خارجی از دیگر دلایل این پیوند است. این واقع نیز بر فرآیند توانمندسازی تاثیر فراوان دارد، بدین گونه که ساکنین می‌توانند به صورت گروهی یک پیشه را گسترش دهند همانطور که در رابطه با کشاورزی نیز گروهی عمل می‌کنند. قابل ذکر است که بیش از ۶۰ درصد از افراد (بالای ۷ سال) کشاورز هستند و در فصل بهار و پاییز در زمین‌های کشاورزی مجاور این محدوده فعالیت می‌کنند، ولی در فصول دیگر با معضل بیکاری مواجه‌اند.



شکل ۶. زمین‌های زراعی اطراف قلعه سیمون

مأخذ: سازمان نقشه برداری کشور، ۱۳۹۲

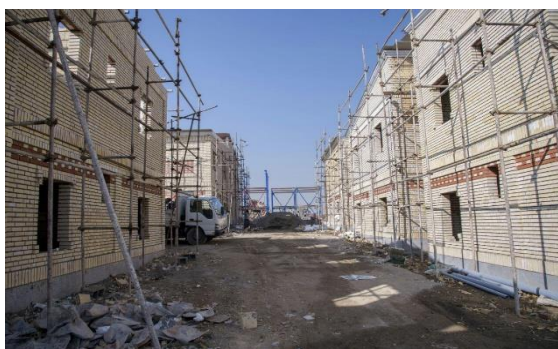
۵۸ درصد از ساکنین بیمه‌ی روستایی دارند، ۱۴ درصد تامین اجتماعی، ۸ درصد بیمه‌ی سلامت و ۲۰ درصد از ایشان بیمه ندارند. تنها ۱۶٫۶ درصد از خانوارها یارانه دریافت می‌کنند.

۷۹ درصد از نسل دوم به همراه والدین مهاجرت کرده‌اند و ۲۱ درصد در قلعه سیمون متولد شده‌اند. ۲۱ درصد از ایشان زیر ۶ سال، ۲۸ درصد بین ۶ تا ۱۲ سال و ۵۱ درصد نیز بین ۱۲ تا ۲۱ سال سن دارند. تنها ۳ درصد از نسل دوم بعد از ازدواج در قلعه سیمون ماندگار شدند، باقی ایشان به روستاهای اطراف مهاجرت کردند.

بنیاد نام برده در سال ۹۵ برنامه‌هایی از این قبیل نیز داشته و کلاس‌های آموزشی مختلفی را برای والدین ساکن در قلعه برگزار کرده است. تشکیل کارگاه‌هایی جهت آموزش سرپرستان زن برای داشتن درآمد از طریق تولید انواع مربا و غیره از جمله فعالیت‌های بنیاد جهت توانمندسازی ساکنین بوده است. لازم به ذکر است که در ساماندهی این شکل از سکونتگاه‌ها در نظر گرفتن فضاهایی که فرآیند توانمندسازی را ممکن سازند، پیشنهاد می‌شود.

۶.۲.۲. سیاست اتخاذ شده در محل پژوهش و تامین مسکن در سال ۱۳۹۵

همزمان با پژوهش نگارندگان، بنیاد خیریه‌ی برین با همکاری سپاه حضرت سیدالشهداء(علیه السلام) استان تهران، سازمان بسیج سازندگی، بنیاد برکت، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان تهران، کمیته‌ی امام خمینی(ره) استان تهران، انجمن خیرین مسکن ساز کشور و با حمایت فرمانداری شهرستان اسلامشهر، بخشداری مرکزی اسلامشهر و شهرداری منطقه ۴ اسلامشهر که در تابستان سال ۱۳۹۵ برنامه‌ای را برای تامین مسکن ساکنین قلعه سیمون آغاز کرده بودند، برنامه‌ی مورد نظر را در زمستان همان سال به پایان رساندند. هزینه‌ی ساخت این پروژه توسط نهادهای ذکر شده تامین گشت. ساکنان برای خانه‌ها هیچ هزینه‌ای پرداخت نکردند و در واقع وام‌های بلاعوض با درصد بسیار پایین دریافت نموده‌اند. البته این افراد در گذشته در قبال زاغه‌های خود نیز اجاره‌ی ناچیزی پرداخت می‌کردند و اکنون نیز همان مقدار (۸۰ تا ۲۰۰ هزار تومان) را خواهند پرداخت. (نگارنده به نقل از فاطمه آقچلو، مدیر روابط عمومی و مدیر پروژه‌های بنیاد نیکوکاری برین، ۱۳۹۵)



شکل ۷ و شکل ۸. قلعه سیمون قبل و بعد از تخریب و ساخت خانه‌های جدید

مأخذ شکل ۷: فاطمه رحیمی - روزنامه نگار و عکاس، ۱۳۹۲

مأخذ شکل ۸: نگارندگان، ۱۳۹۵

سوالی که در این بین مطرح کردن آن واجب است آنکه " آیا ساماندهی سکونتگاه‌های این چینی با تامین مسکن ایشان بدین شکل که بدون پرداخت هزینه‌ای حاشیه‌نشینان صاحب خانه شوند، راهبرد مناسبی برای حل معضل حاشیه نشینی است؟"

و مهمتر آنکه " آیا وعده‌ی مسکن رایگان، سایر افراد کم درآمد مستقر در روستاهای کشور را به مهاجرت و سکنی گزیدن غیرقانونی در حاشیه‌ی کلان شهرهایی چون تهران ترغیب نمی‌کند؟"

۵ نتیجه گیری

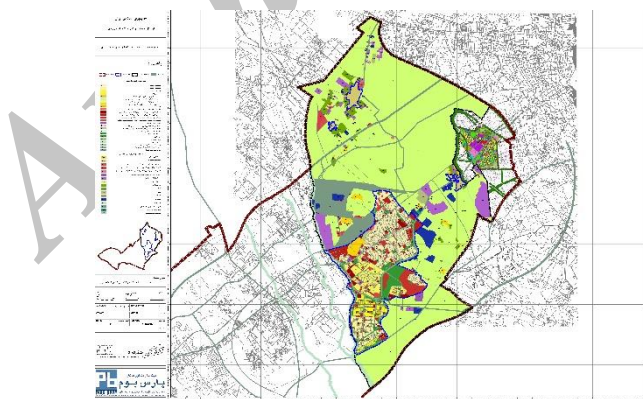
با توجه به ناکارآمد بودن سیاست‌های اتخاذ شده تا به امروز، می‌توان مدعی بود که مشکل اصلی و اساسی حاشیه‌نشینان در وضعیت کنونی تامین مسکن در مقیاس‌هایی که تا به حال تعبیه شده نیست. از طرفی، از بین بردن این سکونتگاه‌ها نیز امری ناممکن است. روشن است که راهبرد مناسب، ایجاد درآمدزایی و توانمندسازی این افراد است تا زمانی که قادر به اداره‌ی زندگی و تهیه‌ی مسکن مناسب باشند. در واقع می‌بایست به ارتقای تدریجی مسکن ایشان اندیشید، تا امکانات زیستن در این مکان‌ها تا حداقل‌های استاندارد افزایش پیدا کند. درعین حال همین راهبرد باید در مورد روستاهایی که مبدا این مهاجرت‌ها هستند نیز اعمال شود، در غیر این صورت روند مهاجرت‌ها و در ادامه‌ی آن شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیر رسمی پایانی نخواهند داشت.

واقعیت آن است که شهر تهران بدون برنامه‌ی توسعه‌ی شهری رشد کرده است و اگر بنا باشد که اطراف شهر نیز براساس شکل‌گیری ناخواسته‌ی سکونتگاه‌های غیررسمی و سپس رسمیت یافتن این مراکز غیررسمی و تبدیل آن‌ها به شهر، توسعه یابد؛ به حتم می‌توان مدعی بود که رشد کالبدی استان تهران به اصطلاح همانند یک "غده‌ی سرطانی" ادامه خواهد داشت. کمالینکه اسلامشهر نیز زمانی یک "قلعه سیمون" بوده است.

در این بین رویکردی مشابه آنچه "Richard Rogers" در لندن پیاده کرده و در بسیاری از دیگر کشورها نیز مشابه آن انجام شده است؛ می‌تواند در منطقه‌ی اسلامشهر و یا در سایر سکونتگاه‌های غیر رسمی موجود، راه حل مناسبی برای ارتقای تدریجی مسکن حاشیه‌نشینان باشد. به علاوه فراهم کردن چنین شکلی از مسکن حداقل برای ساکنین حاشیه نشین، به همراه تامین برخی خدمات شهری چون درمانگاه، مراکز تامین مصارف روزانه و تاسیسات شهری از جمله تامین برق، گاز و آب تصفیه شده از طرف دولت، می‌تواند نقطه‌ی شروعی باشد برای هویت بخشی به این سکونتگاه‌ها. بدین طریق می‌توان هم برای این افراد و هم برای ارگان‌های مسئول تصویری از آنچه که می‌بایست در برنامه‌های آتی در نظر گرفته شود، به وجود آورد. در این میان تعاملات بهتری نیز میان ساکنین و محل سکونتشان رخ خواهد داد. این امر به واسطه‌ی عوامل ذکر شده در مباحث قبلی از جمله عمل شخصی سازی، دستیابی نسبی به حریم‌های شخصی، کیفیت بهتر محل سکونت و بازتاب آن در دیدگاه عوامل بیرونی، عدم تفاوت فاحش میان تصور هر فرد از خویش و تصویری که محیط از او می‌سازد و سایر موارد، میسر می‌شود.

البته در نظر داشتن ویژگی‌ها و خصوصیات منحصر به فرد حاشیه نشینان، در طراحی مسکن مورد نظر، از اهمیت بالایی برخوردار است. حتی می‌توان به خانه‌هایی مدولار و سبک اندیشید که امکان مشارکت خود ساکنین در طراحی و ساخت آن فراهم باشد. از دیگر مزایای این رویکرد آن است که در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های آتی، امکان جابه‌جایی و یا جمع‌آوری این خانه‌ها به سهولت وجود دارد.

به عنوان مثال در نمونه‌ی موردی مطرح شده در این پژوهش، در طرح جامع اسلامشهر، محله‌ی قلعه سیمون در حریم اسلامشهر قرار دارد و اراضی حریم در طرح توسعه، کاربری مشخصی ندارند. محدوده‌ای که قلعه سیمون در آن واقع شده است در پهنه‌بندی حریم شهر اسلامشهر، "سطوح زراعی" نام دارد و خود قلعه در پهنه‌بندی با نام "سکونت روستایی" عنوان شده است.



شکل ۹. طرح جامع شهر اسلامشهر

مأخذ: شهرداری اسلامشهر، ۱۳۹۵

بنابراین اگر حتی در برنامه‌ی توسعه‌ی آتی این محدوده بنا باشد به سکونت روستایی تعلق گیرد، با توجه به تراکم بالای جمعیت در تهران و نرخ بیکاری ۱۲٫۴ درصد در این شهر (مرکز آمار ایران ۱۳۹۵)، شاید تعلیم افراد بیکار در شهر تهران در زمینه‌ی کشاورزی و جابه‌جا کردن ایشان به حریم اسلامشهر و در عین حال جابه‌جایی کشاورزان ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی و انتقال این افراد به شهرهایی با تراکم کمتر که امکان زراعت نیز در آن‌ها فراهم است، سیاستی قابل تأمل باشد.

و باز حتی اگر در برنامه‌ی ذکر شده تصمیم بر آن باشد که کشاورزان مهاجر و حاشیه نشین میبایست در همین محدوده‌ی سطوح زراعی مشغول به کار بمانند، بهتر است محل سکونتشان با داشتن برنامه و سیاست‌های شهری از پیش تعیین شده و بر اساس طرحی جامع انتخاب شوند، و نه به صورت تصادفی و با انتخاب به ناچار مهاجرین؛ کما اینکه در حال حاضر قلعه سیمون که قدمت تاریخی نیز دارد با سکونت حاشیه نشینان از میان رفته و به علاوه در برنامه‌ریزی شهری، مجاورت کارگاه‌های صنعتی و کاربری مسکونی، آنگونه که در قلعه سیمون شاهد آن هستیم، توصیه نمی‌گردد.

مسلماً در تمامی راهبرهای پیشنهاد شده، پیش‌ساخته بودن و قابل حمل بودن خانه‌ها نه تنها در قیمت تمام شده‌ی خانه‌ها و اجرای سریع آن‌ها تفاوت فاحشی با روش‌های دیگر خواهد داشت بلکه دایره‌ی تصمیم‌گیری را برای سیاستمداران و برنامه‌ریزان شهری بزرگتر خواهد کرد.

در این بین باید در نظر داشت که اگر وعده‌ی مسکن مجانی به اقشار حاشیه نشین داده شود، مقدمات نبود مشارکت مهیا می‌شود. چنین رویکردی در هر جامعه‌ای سم است و باعث می‌شود مسئولیت و تعهدپذیری و نظارت مردم کم و مصرف منابع چند برابر شود.^{۵۵}

در نهایت مسکن قابل جابه‌جایی با حداقل استانداردها، حتی اگر بدون پرداخت هزینه به افراد تعلق گیرد؛ پیش بینی می‌شود که به مراتب بازخورد بهتری نسبت به راهبردها و سیاست‌های به کار گرفته شده تا به امروز داشته باشد.

فهرست منابع:

- آقابخشی، حبیب، (۱۳۸۲)، *حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی*، مجموعه مقالات، دانشگاه بهزیستی و توانبخشی، جلد دوم، تهران.
- اسماعیلی، رضا، امید، مهدی، (۱۳۹۱)، "بررسی تجربه حاشیه نشینی از دیدگاه حاشیه نشینان، یک مطالعه پدیدار شناسانه"، فصلنامه ی مطالعات شهری، سال دوم، شماره سوم، تابستان.
- بهستانی، محمد امین، (۱۳۸۷)، "حاشیه های حاشیه نشینی"، میهن، شماره ۴، تابستان.
- پوردیهیمی، شهرام، نورتقانی، عبدالمجید، (۱۳۹۲)، "هویت و مسکن"، بررسی ساز و کار تعامل هویت ساکنین و محیط مسکونی، فصلنامه ی مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱، بهار.
- دراکاکیس اسمیت، دیوید، ۱۳۷۷، *شهر جهان سومی*، جمالی، فیروز، نشر توسعه، تهران.
- ریتز، جورج، (۱۳۸۴)، *نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر*، ثلاثی، محسن، انتشارات علمی، چاپ نهم، تهران
- زاهد زاهدانی، سید سعید، (۱۳۶۹)، *حاشیه نشینی*، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز.
- سرور، رحیم، (۱۳۸۶)، "مهاجرت از تهران رویکردی جدید در تمرکززدایی از پایتخت"، *مجله انجمن جغرافیایی ایران*.
- شکویی، حسین، (۱۳۵۴)، *حاشیه نشینی شهری*، خانه‌های ارزان قیمت و سیاست مسکن، موسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی، تبریز.
- شولتز، کریستین نوربری، (۱۳۸۱)، *مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی*، یاراحمدی، محمود امیر، نشر آگه، تهران.
- شولتز، دوان، شولتز، سیدنی ال، (۱۳۸۳)، *نظریه های شخصیت*، سیدمحمد، یحیی، موسسه نشر، تهران
- شیخی، محمد، (۱۳۸۵)، "سکونتگاه های خودرو، گذار از حاشیه نشینی به الگویی از سکونتگاه پیرامون کلانشهرهای ایران"، *حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی*، مجموعه مقالات، دانشگاه علوم بهزیستی
- صفوی، علی، (۱۳۸۲)، "وانمندسازی و ساماندهی اسکان غیررسمی"، *ماهنامه شهرداری ها*، سازمان شهرداری‌های کشور، شماره ۴۶، اسفند ۱۳۸۲
- فکری، فروغ، (۱۳۹۵)، "نگاهی به وضع اهالی قلعه هزار اردک بعد از شروع ساخت و ساز"، *روزنامه‌ی شهروند*، شماره ۹۸۵، آبان ماه.
- فکوهی، ناصر، پارسا پژوه، سپیده، (۱۳۸۷)، "بررسی انسان شناختی محله ی آلونک نشین علی آباد مهران"، *مجله ی مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ی دوم، شماره ۲، زمستان.
- کارگر، بهمن، (۱۳۸۶)، "حاشیه‌نشینی و امنیت"، *سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح*

^{۵۵} احمد میرخدائی به نقل از فردین یزدانی، "ناتوانی در خرید مسکن به دهک هشتم سرایت کرد"

- کارگر، بهمن، سرور، رحیم، (۱۳۹۲)، شهر، حاشیه و امنیت اجتماعی ، با تاکید بر حاشیه جنوبی منطقه شهری تهران و اسلامشهر، سازمان جغرافیائی نیروهای مسلح، تهران.
- گیفورد، رابرت، (۱۳۷۸)، " روان شناسی محیط مسکونی"، فصلنامه معماری و فرهنگ، سال اول، شماره دوم و سوم، زمستان.
- مارشال ریو، جان، (۱۳۸۱)، انگیزش و هیجان، سید محمدی، یحیی، نشر ویرایش، تهران.
- میر خدائی، احمد، (۱۳۹۴)، گفتگو با فردین یزدانی ، " ناتوانی در خرید مسکن به دهک هشتم سرایت کرد"، روزنامه شرق، سال سیزدهم، شماره ۲۴۴۹، آبان ماه.
- هال، پیتر، فایفر، اولریخ، (۱۳۸۸)، آئینده شهری قرن ۲۱، صادقی، اسماعیل، صفایی، ناهید، جامعه مهندسان مشاور ایران، تهران
- Bachelard, Gaston, (2007), The Oneiric House, Housing and Dwelling, Perspectives on Modern Domestic Architecture, Routledge.
- Brown, Barbara, Carol, Werner, (1985), Social Cohesiveness, Territoriality, and Holiday Decorations, The Influence of Cul-de-Sacs, Environment and Behavior 17, no5.
- Gifford, Robert, (1987), Environmental psychology, principles and practice, University of Victoria.
- Mairs, Jessica, (2015), Richard Roger's prefabricated housing for homeless people opens in south London, <https://www.dezeen.com/2015/09/08/richard-rogers-prefabricated-housing-for-homeless-people-opens-in-south-london-mitcham-merton/>
- Marcus, Clare Cooper, (1995), House as a Mirror of Self: Exploring the Deeper Meaning of Home, Berkely,9, Calif: Conari Press
- Rapoport , Amos, (2005), Culture, Architecture, and Design, Locke science publishing |Company,Inc. and Environment, cross-cultural perspective

Archive of SID